

صنعت جهانی نفت

هفت خواهران جدید و تحولات اقتصاد و بازار

جابجائی در قدرت

از جمله مسائل مهمی که اخیراً در اغلب کنفرانس‌های نفتی به آن پرداخته می‌شود و جزء جدیدترین تحولات جهانی صنایع نفت محسوب شده و ذهن اغلب تحلیل‌گران را به خود مشغول نموده؛ مسأله تحول در ساختار مناسبات شرکت‌های نفتی و نقش‌آفرینی این شرکت‌ها در صنعت جهانی نفت است. در دهه‌های گذشته تعریف نسبتاً روشنی از دو گروه شرکت‌های نفتی یعنی شرکت‌های ملی نفت (NOCs) و شرکت‌های بین‌المللی نفت (IOCs) و مناسبات این دو با یکدیگر وجود داشت، شرکت‌های ملی نفت نماینده دولت در حاکمیت بر ذخائر نئیدروکربوری در کشورهای صاحب نفت بودند و نیازمند سرمایه و تکنولوژی برای استخراج ذخائر کشور خود و شرکت‌های بین‌المللی نفت که برخی از آنها اصولاً بر مبنای روابط استعماری و بر اساس اخذ امتیاز بهره‌برداری از ذخائر نئیدروکربوری در کشورهای صاحب نفت پدید آمده بودند در هر شکل و هر غالبی که البته در طول دهه‌های مختلف دچار تغییر و تحول بوده است، تامین کننده نیاز مذکور برای دولت‌های صاحب نفت و شرکت‌های ملی نفت بودند و البته در اغلب موارد این نیاز را فرصتی برای تفوق و محوریت یافتن در صنعت جهانی نفت از طریق کسب امتیازها قرار می‌دادند. در این دوران مطرح شدن مقوله روابط بین شرکت‌های ملی و شرکت‌های بین‌المللی عمدتاً مباحث مربوط به نوع قراردادهای فی‌مابین ایشان (مانند مشارکت در تولید، خدماتی و یا امتیازی) را تداعی می‌نمود. اما اینک ساختار صنعت جهانی نفت از این منظر نیز دستخوش تحول جدی است. امروز از سویی برخی شرکت‌های ملی نفت وجود دارند که پوسته گذشته خود را شکسته و خود به رقبای شرکت‌های بین‌المللی تبدیل گردیده‌اند و از سوی دیگر کم رنگ شدن نقش سرمایه و تکنولوژی و شکسته شدن انحصار در این دو که قبلاً در دست شرکت‌های بین‌المللی بود و ظهور شرکت‌های توانمند خدماتی که قبلاً تحت‌الشعاع شرکت‌های مذکور بودند، قدرت گذشته شرکت‌های نفتی بین‌المللی را شکسته است. بنظر می‌رسد که ادغام‌های بزرگ دهه اخیر که شرکت‌های بین‌المللی نفت به آن اقدام نمودند نیز برای مقابله با این تحول چندان راه‌گشا نبوده است. بدون شک این تحول از آثار ژئوپولیتیکی و ژئواستراتژیکی نیز برخوردار است. شرکت‌های بین‌المللی نفت و به ویژه هفت خواهران نفتی یکی از ابزارهای مهم کنترل کشورهای مسلط بر ذخائر نفتی جهان محسوب می‌شدند و این قدرتها در دهه اخیر که بصورت اجتناب‌ناپذیر وابستگی شان به نفت کشورهای اوپک و خلیج فارس روبه فزونی گذاشت موج جدیدی از جهانی‌کردن صنعت نفت را مطرح نمود و بدنبال آن موج جدیدی از انعقاد قراردادهای آغاز کرده بودند اما تضعیف جایگاه شرکت‌های نفتی بین‌المللی در جریان تحول جدیدی که مذکور افتاد بدون شک موقعیت جهانی قدرتها مسلط و بویژه ایالات متحده آمریکا در کنترل بر ذخایر نفت جهان که خود یکی از مهمترین ابزارهای سلطه بوده است را نیز تضعیف خواهد نمود.

تداوم رشد در اقتصاد جهان

موضوع مهم دیگری که، باید به آن توجه نمود تداوم نسبتاً مطلوب نرخ‌های رشد در بخش‌های مختلف اقتصاد جهان علیرغم تداوم قیمت‌های بالای نفت است. این مسئله خصوصاً در آسیای شرقی و بویژه در کشورهای هند و چین که بالاترین نرخ رشد تقاضای انرژی و وابستگی به واردات نفت را دارند قابل تأمل تر است و نشان می‌دهد که یا تحلیل‌ها و بعضاً ادعاهای دهه هفتاد در زمینه اثر منفی قیمت‌های بالای نفت بر پارامترهای اقتصاد کلان ناصحیح بوده است و یا ساختار اقتصاد جهانی از نظر تأثیرپذیری پارامترهای اقتصاد کلان نسبت به قیمت‌های جهانی نفت دچار تحول شده است، البته نکته دیگری نیز می‌تواند در این زمینه توضیح دهنده باشد و آن قیمت‌های واقعی نفت (Real Term) است که علیرغم قیمت‌های اسمی، در سطوح چندان بالائی قرار ندارند.

بازار نفت و فصل تابستان

اینک در آستانه فصل سوم سال ۲۰۰۷ میلادی قرار داریم، بنظر می‌رسد بازار نفت در این فصل علاوه بر تأثیرپذیری از بازار بنزین ایالات متحده، تحت تأثیر چند عامل کلیدی افزایش دهنده قیمت‌ها نیز قرارگیرد. فقدان ظرفیت‌های کافی پالایشی در عین افزایش تقاضای بنزین موجب افزایش قیمت‌ها خواهد شد اما افزایش تقاضای بنزین تنها عامل افزایشی در فصل‌های آتی نخواهد بود.

بنظر می‌رسد رشد بالای اقتصادی در کنار کشش قیمتی بسیار پائین نفت خام، موجب افزایش تقاضا در اکثر مناطق جهان و به ویژه چین و منطقه خاورمیانه شود و بازار را از این نظر دقیقاً در شرایط مشابه سال میلادی گذشته قرار دهد که در اینصورت با اغلب پیش‌بینی‌های قبلی بسیار متفاوت خواهد بود. قبلاً صاحب‌نظران بازار معتقد بودند که در طول سال ۲۰۰۷ بتدریج وارد قسمت نزولی سیکل قیمت‌ها می‌شویم و دلیل آن را کاهش تقاضای جهانی و افزایش عرضه غیراوپک می‌دانستند اما شرایط حال حاضر خلاف پیش‌بینی‌های آنها را آشکار می‌کند.

تخمین‌ها نشان می‌دهد که تقاضای جهانی در فصل سوم افزایش یافته و به حدود ۸۶ میلیون بشکه در روز خواهد رسید در حالی که عرضه غیراوپک تنها ۱/۰۶ میلیون بشکه افزایش خواهد یافت. این مسئله باعث هدایت شدن تقاضا به سمت کشورهای عضو اوپک می‌شود. اما اوپک با توجه به سیاست‌های اخیر خود مبنی بر عدم سرمایه‌گذاری در افزایش ظرفیت مازاد و از دست دادن ظرفیت‌های گذشته (با توجه به افت طبیعی تولید)، قادر به پاسخگویی به این تقاضا نخواهد بود و از آنجا که افزایش ظرفیت تولید برخی از تولیدکنندگان غیراوپک همچون برزیل، قزاقستان، سودان و کانادا نیز از طریق افت تولید کشورهای منطقه دریای شمال و مکزیک خشی خواهد شد، انتظار می‌رود که قیمت‌ها در فصل آینده روند صعودی خود را کمابیش دنبال نمایند.